

سخن فصل

سید حسین موسوی*

سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه

الف

از آنجا که آمریکا عملاً با اشغال نظامی منطقه خاورمیانه و استقرار بخش عظیمی از نیروهای نظامی اش در اطراف و اکناف این منطقه همچنان مهم‌ترین بازیگر بین‌المللی در خاورمیانه محسوب می‌شود، مهم‌ترین موضوع مورد بحث در محافل علمی و سیاسی که مسایل این منطقه را دنبال می‌کنند، همچنان نقش آمریکا و استراتژی این کشور در خاورمیانه است و به همین دلیل اکثر مقالات و بررسی‌های مندرج در این شماره از فصلنامه به این مسئله اختصاص یافته است.

پس از گذشت یک سال از روی کار آمدن دولت باراک اوباما و با توجه به وعده‌هایی که وی چه در دوران رقابت انتخاباتی و چه در مرحله پس از آن پیرامون «تغییر» در سیاست آمریکا داده بود، اینک مشخص شده که دولت اوباما نتوانسته به این وعده‌ها عمل کند و آنچه در منطقه می‌گذرد در واقع چیزی جز ادامه سیاست دولت جورج بوش نیست. عقب کشیدن نیروها از عراق همراه با حفظ عوامل تنش‌زا و افزایش نیرو در افغانستان با همه تبعاتی که این اقدامات داشته و خواهد داشت، رکود در حل و فصل به اصطلاح صلح‌آمیز مسئله فلسطین و خودداری دولت آمریکا از وارد آوردن هر گونه فشار بر رژیم صهیونیستی، فشار بر جمهوری اسلامی ایران در برنامه هسته‌ای و به فراموشی سپردن روند گسترش دموکراسی با حمایت از رژیم‌های توتالیتر در منطقه که از آنها به عنوان رژیم‌های دوست آمریکا یاد می‌شود و بسیاری دیگر از شواهد گوناگون نشان می‌دهد که آمریکا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد در رفتار یا سیاست‌های خود تغییری پدید آورد.

* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

این امر ممکن است علل فراوانی داشته باشد. برخی از پژوهشگران معتقدند که ماترک هشت سال حکومت نابخردانه جورج بوش آنقدر سنگین است که هیچ دولتی در آمریکا نمی تواند مسیری را که بوش در این مدت ترسیم و طی کرده تغییر دهد و ناچار به ادامه راه است. برخی دیگر از این زاویه به مسئله می نگرند که محافل تصمیم گیری در ایالات متحده آمریکا بازیگران جلوی پرده نیستند و آنهایی که در لابی ها و مراکز قدرتمند مالی و اقتصادی برنامه ریزی می کنند صرفاً از ظاهر انسانی و دوست داشتنی شخص اوباما برای یک رشته اقدامات در زمینه روابط عمومی و بهبود ظاهری چهره آمریکا استفاده کرده اند و گرنه سرشت محافل تصمیم گیری در آمریکا اجازه وارد کردن ارزشهای انسانی و اخلاقی را به سیاستمداران نمی دهد. در نتیجه رفتارها و سخنرانی های آکنده از ارزشهای انسانی هرگز به عرصه عملیات نظامی و برنامه ریزیهای مالی و اقتصادی راه نمی یابد و تنها وظیفه تبلیغاتی خود را ایفا می کند. حتی در این مورد نیز باید گفت که تأثیر این اقدامات رو به زوال است، حداقل در جهان عرب و جهان اسلام گفتمان دولت باراک اوباما ارزش خود را از دست داده است. شاید زمانی که اوباما در استانبول و سپس در قاهره نطق های هیجان آمیز خود را خطاب به جهان اسلام ایراد کرد عده ای امیدوار شدند که دولت آمریکا در عهد اوباما واقعاً در پی تغییر سیاست است. اما اینک همه این امیدها بر باد رفته و نظرسنجیهای انجام گرفته از سوی مراکز علمی آمریکا نشان می دهد که در کشورهایی مثل پاکستان، مصر، اردن، ترکیه و فلسطین تنها حدود ۳۰ درصد از مردم چهره آمریکا را مثبت می بینند و ۷۷ درصد از فلسطینی ها و ۶۴ درصد از پاکستانی ها گفته اند که هیچ اعتمادی به سیاستهای آمریکا ندارند.

به هر حال، شکست دولت اوباما ظرف یک سال گذشته در عمل به وعده های خود اینک باعث شده که نومحافظه کاران آمریکایی بار دیگر در صحنه ظاهر شده و شخص اوباما و اهداف دولت وی را به باد حمله بگیرند که مهم ترین نمونه آن گزارش اخیر رابرت ساتلوف، مدیر اجرایی مؤسسه واشینگتن برای مطالعات خاور نزدیک، چاپ شده در روزنامه لس آنجلس تایمز است که به شدت به استراتژی اوباما در زمینه بهبود چهره آمریکا در جهان اسلام حمله و از سیاستهای جورج بوش دفاع کرده است. امید است مقالات و پژوهشهای مندرج در این شماره از فصلنامه برای درک بهتر سیاستهای خاورمیانه ای دولت اوباما مؤثر و مفید باشد.